

پاسخ دلیل سه

مرحوم طباطبایی در پاسخ به دلیل سه می نویسد:

«و فيه انه خلط بين كاشفية القطع و حجته إذ الحجية سواء فسرت بوجوب الجری علی وفقه أو كونه قاطعا للعدر أو كونه وسطا لإثبات حكم متعلقه معنی اعتباری غیر كون القطع انكشاف الواقع كما عرفت»^۱

توضیح:

۱. اینکه قطع حجت است با اینکه قطع کاشف از واقع است، ربطی به هم ندارد.
 ۲. چرا که حجیت قطع یا به معنای «وجوب عمل بر وفق قطع» است و یا به معنای «آن است که اگر مطابق آن عمل کنید، در صورت خطا معذور هستید» و یا به معنای حدّ وسط در میان صغری و کبری است.
 ۳. و هیچ یک از این ۳ به معنای انکشاف واقع نیست.
- ما می گوئیم:

۱. مرحوم اصفهانی در صدد آن نیست که بگوید «حجیت همان کاشفیت» است، بلکه این دو را اگر لازم و ملزوم هم بدانند، استدلالش قابل ملاحظه است.
۲. درباره این مطلب، در ادامه سخن خواهیم گفت.

کلام امام خمینی

ایشان ابتدا می نویسند:

«إنّما لا يمكن جعل التألیفی بین الشیء و لوازمه؛ لأنّ مناط الافتقار إلى الجعل هو الإمكان، و الوجوب و الامتناع مناط الاستغناء، و القطع واجب الحجّة ممتنع اللاحجّة، فلیس فیہ مناط الفقر و الحاجة إلى الجاعل إثباتا و نفیا»^۲

توضیح:

۱. اگر چیزی از لوازم ذات یک شیء باشد، برای آن شیء «امکان حصول» ندارد بلکه «ضروری الحصول» است.
 ۲. و به همین جهت قابل جعل تألیفی (مرکب) نیست.
- اما حضرت امام در ادامه می فرمایند که چنین حالتی تنها بین شیء و لوازم ماهیت برقرار است و حال آنکه حجیت از لوازم وجود قطع است:

۱. حاشیه الکفایة، ج ۲، ص ۱۷۹

۲. انوار الهدایة، ج ۱، ص ۳۷



«هذا، و لكن فى كون الحجية و الكشف من اللوازم التى لا يتعلق بها الجعل التأليفى كلام سيأتى - إن شاء الله - فى مباحث التجزى التعرض له و بيان الميزان فيها. و مجمل ذاك المفصل: أنّ الكشف و الطريقيّة من آثار وجود القطع، لا لوازم ماهيّة، و آثار الوجود مطلقا مجعولة.»^۱

اما در ادامه حضرت امام می‌فرمایند که اینکه حجیت برای قطع جعل شده است باعث نمی‌شود که بگوییم این جعل، جعل تشریعی است. بلکه این جعل، جعل تکوینی است و با وجود آن جعل تشریعی لغو است. «نعم أصل المدعى - و هو عدم تعلّق الجعل التشريعى به - صحيح بلا مرية؛ فإنّ الجعل التشريعى لا معنى لتعلّقه بما هو لازم وجود الشئ، فلا معنى لجعل النار حارّة و الشمس مشرقة تشريعا، لا لأنّهما من لوازم ذاتهما، بل لأنّهما من لوازم وجودهما المحققين تكوينا، و القطع أيضا طريق تكوينيّ و كاشف بحسب وجوده، و لا يتعلّق الجعل التشريعى به، للزوم اللغوية و كونه من قبيل تحصيل الحاصل.»

ما می‌گوییم:

۱. ماحصل فرمایش حضرت امام آن است که:

یک) حجیت برای قطع از لوازم ماهیت نیست بلکه حجیت از لوازم وجود قطع است.

دو) لوازم وجود به جعل تألیفی (مرکب) برای شیء حاصل می‌شود.

سه) لوازم وجود یک شیء هم قابل جعل تشریعی نیستند چرا که چنین جعلی لغو است.

۲. در این باره به نظر می‌توان نکاتی را مطرح کرد که در تشریح نهایی نظر مختار به آن اشاره می‌کنیم.



۱. همان